



# از رفاقت بر سر ناصر تا رقابت بر سر صدام

بررسی فرازونشیب روابط آل سعود و اخوان المسلمین

بلوک شرق و غرب و همچنین اشغال افغانستان توسط شوروی سابق محکم تر شد. تجاوز شوروی به افغانستان در دسامبر ۱۹۷۹ تفاهم در چارچوب مبارزه با کمونیسم را دوباره به جریان انداخت. هزاران داوطلب از طریق شبکه های اخوان المسلمین با پشتیبانی ایالات متحده، سازمان سیا و کمک مالی سلاطین نفتی برای مبارزه با ارتش سرخ شتافتند. در بستر این بسیج به نفع «مبارزان آزادی» افغانی بود که القاعده زاده شد.

## اشغال کویت و جدایی اخوانی ها از آل سعود

همسویی اخوان المسلمین و عربستان سعودی در ابتدا منافع متقابلی برای هر دو طرف داشت، اما فعالان این جنبش به زودی نظام سیاسی عربستان را به چالش کشیدند. یکی از شاخص ترین افراد که تحت تأثیر تبلیغ اخوان المسلمین در عربستان قرار گرفت اسامه بن لادن بود که از تئورسین جهاد یعنی «عبدالله عزام» فلسطینی در جده در طول سال های دهه ۸۰ الهام گرفت. علاوه بر این از جمله حوادثی که گسست بین اخوان المسلمین و پادشاهی سعودی را عمیق تر ساخت تجاوز عراق به کویت در دهه ۹۰ میلادی بود. سیاست، چاپ کویت در این رابطه به نقل از شاهزاده نایف وزیر کشور وقت عربستان می نویسد: «در جریان بحران خلیج [فارس] در ۱۹۹۰-۱۹۹۱، با هیئتی ملاقات کردم که شامل راشد غنوشی (رئیس کنونی حزب النهضة- تونس)، حسن الترابی سودانی، عبدالمجید الزندانی یمنی و نجم الدین اربکان از ترکیه بود که همگی به جنبش اخوان المسلمین وابسته بودند. ما از آن ها خواستیم: «شما تجاوز به کویت را تایید می کنید؟» آن ها پاسخ دادند که برای کسب دیدگاه ما آمده اند. اما، بعد از آن، به بغداد رفتند و با انتشار بیانیه ای اشغال کویت را تایید کردند که موجب حیرت ما گردید. پس از حملات یازدهم سپتامبر شاهزاده نایف تقصیر تمام مشکلات کشور را متوجه اخوان المسلمین دانست. وی تصریح کرد: «اخوان المسلمین منشاء بیشتر مشکلات جهان عرب بوده و خسارت زیادی به عربستان زده اند. ما بیش از اندازه از این گروه پشتیبانی کردیم و آنان جهان عرب را ویران کردند.» با شروع موج بیداری اسلامی در سال گذشته و با سقوط تعدادی از متحدین عربستان و نوید خیزش اخوان المسلمین در سراسر خاورمیانه، سعودی با ضامن دادن هشدار فوری آزر خطر را به صدا درآوردند. هر چند محمد مرسی تلاش کرد با سفر به عربستان و دیدار با ملک عبدالله رابطه اخوانی-سعودی را ترمیم بخشد، اما ظاهراً سعودی ها چالش اخوانی ها را برای حیات سیاسی و تاج و تخت خود به گونه ای نمی دیدند که بشود با آن کنار آمد. در همین چارچوب است که حمایت از کودتای نظامیان و کمک مالی میلیاردی ریاض به دولت کودتا در قاهره معنی پیدا می کند.

کنار العوده می توان از «محمد العریفی» و «محسن العواجی» نیز نام برد که به داشتن دیدگاه های ضد شیعی و تکفیری معروف اند. روابط عربستان و اخوان المسلمین همواره پیچیده و دشوار بوده است. با این حال نکته جالب در این روابط دو طرفه پررنگ بودن نقش یک متغیر خارجی است. این متغیر یا عامل خارجی گاه جمال عبدالناصر و افغانستان بوده که عامل همگرایی سعودی اخوانی می گردید و گاه حمله عراق به کویت و یا حضور غربی ها در سرزمین های اسلامی که باعث واگرایی میان این دومی شد.

## دشمنی به نام جمال عبدالناصر

پادشاهی سعودی به رهبری ملک عبدالله که ظاهراً لقب خادمین حرمین شریفین را یدک می کشد خودشان را پیشوایان جهان اسلام می دانند. آنها برای تقویت حکومتشان متکی به مفتیان هستند که مردم را امر به اطاعت سیاسی از حکومت می کنند. اما در نقطه مقابل اخوان المسلمین واکنشی در برابر استعمارگرایی و انحطاط کشورهای غرب است که به زعم بنیانگذارش حسن البنا در حال به فساد کشاندن جوامع اسلامی هستند. سعودی ها در سال های دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی دیدگاه های مشتری کی با اخوان المسلمین داشتند. البته این اشتراک دیدگاه بیش از آن که اعتقادی باشد در داشتن دشمن مشترک خلاصه می شد. جمال عبدالناصر با طرح ایده پان عربیسم و ناسیونالیسم عرب به دنبال رهبری جهان عرب بود. امری که برای شاه سعودی و شاهزادگاناش که خود را در مسند رهبری جهان عرب می دیدند گران بود. از سوی دیگر اخوانی ها در مصر با جمال عبدالناصر به مشکل برخورد و بودند و بسیاری از ایشان برای فرار از فشارهای وی به عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس گریختند. سیاستمداران سعودی فرصت را غنیمت شمرده و به منظور تقویت جریان های ضد ناصری به اخوانی ها پناه دادند. در سال های دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ هزاران کادر اخوان المسلمین که در مصر، سوریه، الجزایر و عراق مورد ستم واقع شده بودند، در کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی سکونت گزیدند. همان گونه که یک روشنفکر مصری نزدیک به این جنبش اظهار داشت: «هیچ پیمان صریحی وجود نداشت. در آن زمان، سازمان متلاشی شده بود و رهبری سامان یافته ای نداشت اما، واقعیت این است که هزاران فعال اخوان المسلمین که در عربستان مستقر شدند، هزاران کادر در این کشور تربیت کردند که سهم به سزایی در مبارزه با ناسیونالیسم عربی از جمله ناسیونالیسم جمال عبدالناصر، رئیس جمهوری مصر و علیه چپ داشتند». در همین حال اخوان المسلمین بسرعت در جامعه سعودی نفوذ یافت و به ویژه بر سیستم آموزشی آن که شامل بخش وسیعی از دانشگاه ها می شد تسلط پیدا کرد. این اتحاد به دنبال رقابت دو

و وقوع تحولات خاورمیانه موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱ منجر به تغییرات قابل توجه در نظم منطقه ای و ترسیم الگوهای رقیب منطقه ای گردید. از آنجا که یکی از ویژگی های بحران های بین المللی و منطقه ای نقش آفرینی بازیگران و کنشگران ذینفع است، رقابت بر سر مدل مطلوب یا الگوهای رقیب منطقه ای امری اجتناب ناپذیر است که بازیگران سعی می نمایند با تأثیرگذاری تعریف و ارائه تصویر مطلوب از خود و اهداف خود، دامنه نفوذ خود را افزایش دهند و به کانون تأثیرگذاری بر معادلات و پویای موجود تبدیل شوند. در طول سه سال گذشته، خاورمیانه به ویژه کشورهای رها شده از یوغ دیکتاتوری صحنه رقابت الگوهای منطقه ای بوده است. در این میان الگوی اخوانی و سعودی با وجود داشتن پایه های اعتقادی مشترک بیشترین چالش را با یکدیگر داشته اند که نمونه آن در تونس و مصر به وضوح قابل رویت است. در یادداشت پیش رو تلاش می شود با نگاهی تاریخی فراز و فرود روابط میان اخوانی ها و آل سعود باتکیه بر عوامل منطقه ای بررسی گردد.

## انقلاب های عربی صحنه جدید رویارویی اخوانی-سعودی

بر کسی پوشیده نیست که حمایت آمریکا از انقلاب های عربی رنجش عربستان سعودی را به همراه داشت. ملک عبدالله هنوز نمی تواند بفهمد که او با ما چگونه بن علی در تونس و حسنی مبارک در مصر؛ قربانیان انقلاب های مردمی را رها کرد؛ زمانی که سعودی ها دیدند او با ما روابط عادی را با رئیس جمهور اخوانی مصر برقرار کرد، این خشم و ناراحتی سرریز شد. ملک عبدالله در کشورش بن علی را پذیرفت و با حمایت خود از نظامیان مصری که مرسی را به سقوط کشاندند، تلاش زیادی برای آزادسازی مبارک و تخفیف مجازات وی صورت داد. برای ریاض؛ افتادن مصر به عنوان قلب جهان عرب در دست اخوان المسلمین غیرقابل پذیرش بود. اخوانی ها برای ملک عبدالله دشمنان خطرناکی هستند؛ آنها نیز داعی حکومتی اسلامی اما در قالب سیستمی پارلمانی هستند. به علاوه اخوان المسلمین در همه کشورهای اعم از سوریه و مصر از سوی امیرنشین ثروتمند قطر-رقیب عربستان سعودی در جهان عربی-اسلامی-حمایت می شوند. به خصوص اینکه اخوانی ها تا اندازه ای در عربستان سعودی نیز حضور دارند. اخوانی های سعودی با ترکیب بنیادگرایی بومی و اسلامگرایی سیاسی که به شدت منتقد پادشاهی عربستان است، شکل گرفته اند. واعظان بسیار محبوب این جریان که در سالهای ۱۹۹۰ زندانی و سپس مشروط به ساکت ماندن آزاد شدند؛ امروز بار دیگر در دیف اپوزیسیون باز این کشور قرار دارند. یکی از مشهورترین آنها سلمان العوده است که در صفحه توئیتر خود هزاران طرفدار دارد و مدعی دموکراسی جدید اسلامی است و در حال حاضر نمی تواند کشور را ترک کند. در

ویژه نامه نوروزی

روزنامه خراسان

فروردین ۱۳۹۳